

### متن پرسش

سلام علیکم استاد گرامی: حدود ۱۰ سالی است که کم و بیش همراه مباحث شما هستم. بیشتر کتاب های شما را خوانده ام و کتاب های دیگر بی حوصله ام می کنند. پس از این همه سال تاکید شما بر روی ورزش نظرم را جلب کرد و عجیب و غریب برایم مؤثر واقع می شود طوری که پیاده روی ام را به روزی دو ساعت رسانده ام. و طور دیگری درک می کنم. پس از ده سال متعجبم که چرا روز اول با وجود اینکه کتاب جوان شما رو خواندم چرا همون موقع این رو نفهمیدم؟ به تازگی برای چندمین بار که ادب خیال و عقل و قلب رو خوندم دیدم که گنگ هستم نسبت به تاکید شما روی مطالعه و واقعا ضرورت اون رو نمی فهمم. بعد این مساله سراغم اومد که نکنه ده سال باید بگذره تا من به چنین ضرورتی برسم. چطور میشه به ضرورت مطالعه رسید؟ من با خودم فکر می کنم که الان که نمازهام رو در مسجد میخونم و ورزش هم می کنم دیگه تمامه و با به صحنه اومدن وجه مجرد با ورزش و اعتدال در تغذیه به قول شما حی قیوم که عین اتصال به الله به صحنه میاد. پس باید روی همین ها تمرکز کنم تا وجه وحدانی ام تقویت بشه. گیر کار کجاست؟ چطور به ضرورت مطالعه برسم؟ با خودم گفتم ورزش و تغذیه و مسجد رو محکم بگیرم تا در ادامه بلکه مساله برام باز بشه. اما به نظر جواب کاملی نیست لطفا کمک کنید.

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: به هر حال نباید از قرآن و روایت غفلت کرد. در این مورد پیشنهاد سیر مطالعاتی مربوط به سوره ها و مربوط به خطبه های نهج البلاغه را دارم. موفق باشید